

ماجرای عشق و عاشقی میدون

کمیسون کمدلباس



پوریا عالمی

● سوفیا گوش کن. بین چی به ذهنم رسیده. می‌دانی که مجلس برآیند جامعه محسوب می‌شود. پس ما هم عین برآیند مجلس هستیم. حالا بین چی به ذهنم رسیده. تو هی تکرار کن تا بابات قانع شود و من را بپذیرد و بعد تو به من رأی بده. با امید فراوان به من رأی بده. بعد من رأی می‌آورم و می‌ایم توی خانه. تو می‌شوی زن من. پس من وقتی بیایم توی خانه، یک‌طورهایی رئیس می‌شوم. آن‌وقت تو منتظری با آمدن من توی خانه تغییر و تحول ایجاد شود. من به‌عنوان اولین حرکت مسئولیت یخچال خانه را می‌سیارم دست مادرم که حساب لقمه‌های تو را داشته باشد تا مبادا چاق شوی. بعد مسئولیت کمد لباس را می‌سیارم دست عمه، تا مسئول پوشش و رفت‌وآمد تو باشد. مسئولیت تفریحات را هم می‌سیارم دست پسرداییم که متخصص تشریفات است و جمع می‌کنیم همه با هم می‌رویم چمن‌های بلوار، تفریحات سالم می‌کنیم. می‌بینی سوفیا به‌نفع خودت است که به من با امید رأی بدهی. بعد مسئولیت پول خانه را هم اگر تو موافق باشی بسیاری دست من که تو کار کنی، من پول تو را سرمایه‌گذاری کنم، منتها توی خارج. به همین دلیل بودجه سفرهای خارجی من را باید افزایش دهیم. پس بی‌رحمت بیشتر کار کن چون با این درآمدی که تو داری من دارم خیلی ادیت می‌شوم.

می‌بینی سوفیا. امید داشته باش. من فهرست تو هستم. فهرست امید تو هستم. کمیسیون به چند من؟

کمیسیون عشق و عاشقی تو؛ میدون دوم.

یادداشت

در راستای بی‌توجهی به کمیسیون فرهنگی قرارمان این نبود!



امیر حسین علم‌الهدی

● حال که ترکیب نمایندگان کمیسیون فرهنگی مجلس مشخص شده است. بد نیست دوباره نهیسی بزنیم به بی‌مهری نمایندگان منتخب مجلس که همچنان به این کمیسیون به‌عنوان آخرین کمیسیون برای عضویت نگاه می‌کنند: قرارمان این نبود!

حتما می‌پرسید کدام قرار؟ عرض در رابطه با کمیسیون فرهنگی مجلس است که نباید چنین مورد بی‌مهری نمایندگان قرار می‌گرفت. به نظرم در آیین‌نامه‌های مجلس نیاز به بازنگری داریم و نمی‌شود صف یک کمیسیون به قول معروف دو کیلومتر و صف یک کمیسیون دیگر خالی باشد و اصلا کسی نباشد! ظاهرا اهمیت کمیسیون فرهنگی هم مثل خود فرهنگ در این سرزمین دچار چالش است که این کمیسیون چنین سوت‌و‌گور است.

نمونه اهمیت این کمیسیون در حوزه سینما نبود «حداقل یک قانون» در حوزه سینماست که بعد از چهار دهه هنوز نتوانسته‌ایم سینما را در اسناد بالادستی نظام صاحب قانون کنیم و این جای تأسف دارد. اهمیت این کمیسیون موقعی خود را نشان می‌دهد که باید گفت انقلاب اسلامی مگر به‌جز خواست‌های فرهنگی چیز دیگری بوده است که بعد از گذشت ۳۷ سال حالا باید با چراغ‌قوه به‌دنبال عضویت نمایندگانی برای این کمیسیون بگردیم!

اکثر مشکلات حاکم بر جامعه ریشه در مسائل فرهنگی دارند و واقعا مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند شروع‌کننده تغییر در این ریشه‌ها باشد تا بتوانیم با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مشکلات فرهنگی و... را حل کنیم؟

افزایش اعتیاد، افزایش طلاق، افزایش افسردگی، خودکشی‌های سریالی، کاهش اخلاق، اول نزد سیاست‌مداران و بعدا نزد خلاق، نبود بهره‌وری لازم نیروی انسانی در ایران، وجود تعطیلات کمرشکن، نبود فرهنگ مصرف غذا، نبود تفریحات جمعی، کمبود قوانین فرهنگی و هنری و فقدان هزاران قانون در این حوزه‌ها آیا اهمیتشان کمتر از کمیسیون امنیت ملی و خارجی و اقتصادی است؟

مگر نباید کشور دارای قوانین مترقی در حوزه فرهنگ باشد تا امید داشته باشیم که مردمانی فرهنگ‌مدار باشیم؟

نمی‌دانم هر چهارسال یک‌بار این حرف‌ها زده می‌شود اما گوش شنوایی نیست هرچند در انتخابات هفتم اسفند مردم شعارهای انتخاباتی را گوش کردند اما ممکن است به دلیل خواست جامعه فرهنگی و هنری چهارسال دیگر این‌دفعه گوش هنرمندان و فرهنگیان شنوا نباشد...

نمایندگان دوره دهم مجلس لطفا این تهدید را جدی بگیرید...

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱ تیر ۱۳۹۵ • ۱۵مرفضان ۱۴۳۷ • ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۱۳ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

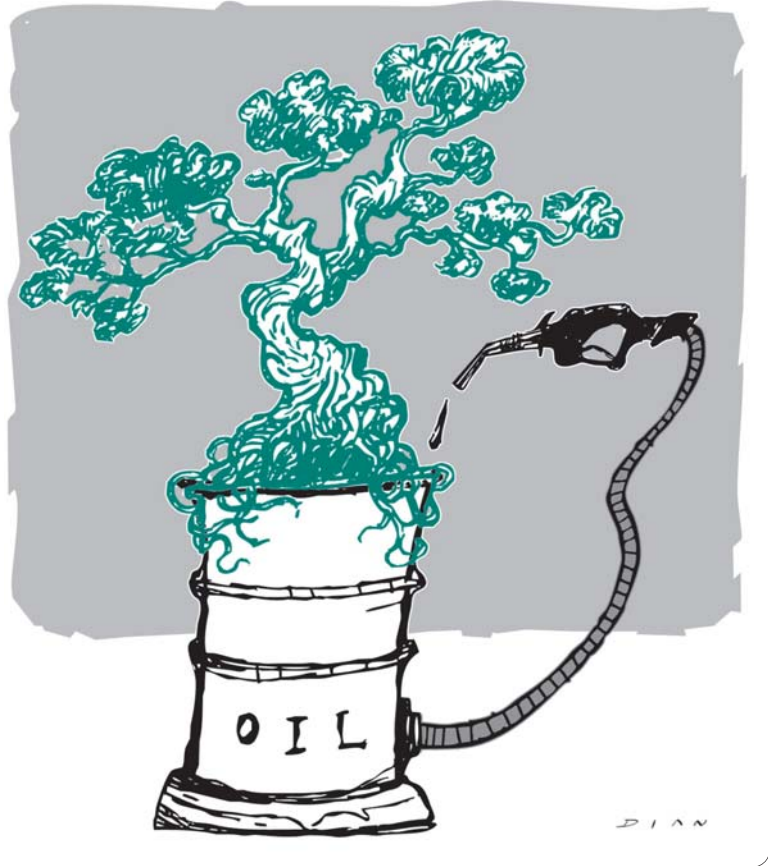
روزانه‌فرا

کارتون خواب

مهدی معتمدیان (دیان)

motazedian.mehdi@yahoo.com

زاین مشتری ۲۰۰ هزار بشکه نفت ایران شد



گزارش

دوربین‌ها به سمت پناهندگان چرخید

گذشته از پناهنده‌ها گرفته شده منتشر کرده است. در میان این عکس‌ها تصاویر دلخراشی مثل بیرون‌آوردن اجساد غرق‌شده کودکان پناهنده از آب نیز دیده می‌شود.



● یک نقاش چینی اثری را در شبکه‌های مجازی منتشر کرده که در این مدت با استقبال فراوان روبه‌رو شده؛ او نوشته است: «من واقعا از مرگ آبلان

کردی، دختر سوری متأثر شدم، پناهنده‌ای که بدن نیمه‌جانش بر ساحل دریا پیدا شد، سرنوشتی که برادر پنج‌ساله‌اش نیز به آن دچار شده بود. بلافاصله و بعد از دیدن عکس‌ها طرحی را کشیدم.»



● آمارها و اینفوگرافیکی‌های متعددی درباره وضعیت پناهندگان و مهاجران منتشر و اطلاعات به‌طور دقیق مطرح شده است؛ به‌گونه‌ای که حتی عبور از مرز ۶۵۰۳میلیون نفر، رکورد جدیدی است که با این واقعیت در هم آمیخته می‌شود که هر دقیقه ۲۴ نفر آواره می‌شوند.



● به مناسبت این روز پیراهن‌هایی با تصویر آلبرت اینشتین طراحی شده است که افراد می‌توانند با تهیه آنها به حمایت از پناهنده‌ها بپیوندند. روی این پیراهن‌ها نوشته شده است: «آلبرت اینشتین هم یک پناهنده بود.»

براساس تحقیقی که جهاد دانشگاهی انجام داده، سه استان زنجان، گلستان و بوشهر، شادترین استان‌های ایران و یزد و کرمانشاه و خراسان‌رضوی غمگین‌ترین بوده‌اند. از «سیدحسن موسوی چلکه»، رئیس انجمن مددکاری ایران پرسیده‌ایم چه می‌شود که دو استان، یکی شاد و دیگری غمگین می‌شود:

● **چه مؤلفه‌هایی در شادی مردم استان‌ها موثرند؟** چند مؤلفه در شادی تأثیرگذار است که سبک زندگی یکی از مهم‌ترین آنهاست. اگر به استان‌های زنجان، گلستان، بوشهر و البته گیلان نگاه کنیم، در این استان‌ها، سبک زندگی به شیوه‌ای ست که در جهت حفظ و احیای هویت‌های فرهنگی و آیین‌های قومی قدم برداشته‌اند. توزیع جمعیتی در جغرافیای این استان‌ها هم نشانه‌ای از سن امید به زندگی است. مسن‌ترین افراد در استان گیلان زندگی می‌کنند. می‌خواهم بگویم که مؤلفه‌های تأثیرگذار را پیگیری کنید تا از آن الگویی برای شادسازی استانی دیگر استفاده کنید.

● **چطور می‌شود از الگو حرف زد وقتی میزان شادی در هر یک از این استان‌ها متفاوت است؟**

آینه‌های روبه‌رو

گفت‌وگو با رئیس انجمن مددکاری ایران درباره حلقه گمشده شادی

قناعت‌وهویت

● **وضعیت ایران را در حوزه شادی بهتر از قبل می‌دانید؟** به‌طور کلی وضعیت ایران در حوزه نشاط و شادی در مقایسه با جهان مناسب نیست. آخرین پژوهشی که در سال ۲۰۱۵ انجام شده، ایران را در میان ۱۵۷ کشور، در رتبه ۱۰۵ قرار می‌دهد، در سال ۲۰۱۴ همین رتبه، ۱۱۵ بود. اکنون نمی‌دانیم ما ۱۰ پله صعود کرده‌ایم یا کشورهای دیگر ۱۰ پله پایین آمده‌اند؛ اما یک تحلیل این ایست که مردم بعد از تصویب برجام به‌دلیل امیدواری شادتر شده‌اند؛ این تحلیل هنوز بررسی نشده، اما امیدواری در شادی نقش دارد. شادی حلقه گمشده زندگی ما ایرانی‌هاست. برای داشتن یک فضای باشاا باید به سه مؤلفه کلیدی «هویت دینی»، «هویت ملی» و «هویت قومی» توجه شود. اما متأسفانه در این زمینه اقدامی نشده، برای نمونه چهارشنبه‌سوری جشن ملی ماست و مولودی تولد امامان معصوم، جشن دینی ما و در کنار آن جشن خرمن و سلام هم از هویت قومی ما سرچشمه می‌گیرد. استان‌هایی که به این سه مؤلفه توجه کرده‌اند، شادتر از استان‌هایی هستند که یکی از این سه گزینه را به فراموشی سپرده‌اند.

داستان‌های نقطه‌دار

اکسیژنم آرزوست...

از در و دیوارش پاک نشده بود بلکه انگار غبار کهنگی و فراموشی بر همه شهر پاشیده بودند.

این در حالی بود که از پدر شرکت نفتی‌ام در همه این سال‌ها، حتی جنگ، تصویر شاد و زیبایی از آبادان در ذهنم بود که هیچ با آنچه می‌دیدیم همخوانی نداشت... اما دریغ و درد؛ این روزها که من و ما و نوجوانان دیروز سال‌های جنگ دیگر میان‌سال شده‌ایم و موهای سپیدمان را هر روز در آینه می‌شمریم؛ خبری از بهترشدن در شهرهای به‌اصطلاح جنگ‌زده کشورمان نیست و از شدت گردوخاک، مردمانش تقریباً به جای هسوا، غبار به ریه‌هایشان می‌فرستند. این در حالی است که آنها سهم‌شان از سختی‌ها را سال‌ها پیش پرداخته‌اند. آبادانی بیشکش‌شان؛ این روزها باید فکری به حال ریه‌های خسته از خاروخاشاک‌شان کرد.



Hisense

Official Partner of UEFA EURO 2016™

هتایسنس

اسپانسر رسمی فوتبال جام ملت‌های اروپا، فرانسه ۲۰۱۶



 **021-26600727**

 **www.zarrinac.com**

 **Telegram.me/hisense_iran**

 **www.instagram/hisense.iran**